

پیشگیری از بزهکاری متربیان کم‌توان ذهنی خفیف از منظر فقه اسلامی^۱

اردوان ارژنگ^۲

سیدنقی موسوی^۳

مطهره طالبی سیه سران^۴

چکیده

امروزه نگرش‌هایی مانند جانی بالفطره دانستن کم‌توانان ذهنی خفیف و افراد دارای هوش مرزی، ناپذیرفتنی و مطرود شده است. اما برای آن‌که جرایمی از ایشان به ثبت می‌رسد، بی‌شک پرداختن به مسائل جرم‌شناسی این گروه، به‌ویژه بزهکاری - با توجه به قوت ریسک فاکتورها -، به‌گونه‌ای خاص و اختصاصی لازم است. در این نوشتار، که به صورت کیفی - استنباطی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای است، هم در قالب سلبی یعنی ادله مخالفان، نقد و هم به صورت ایجابی، ادله‌ای دال بر ضرورت این امر، با تأکید بر تکلیف والدین و سایر سرپرستان و مسئولین تعلیم و تربیت و توانبخشی، ارائه شده است. ادله‌ای از قبیل تعداد کم این افراد در جامعه، مسئولیت

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۲/۲۷؛ تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۴/۱۷.

۲. دانشیار دانشگاه میبد (نویسنده مسئول): (arzhang1345@gmail.com).

۳. استادیار دانشگاه فرهنگیان: (snmosavi57@gmail.com).

۴. دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا دانشگاه میبد: (mtalebis65@gmail.com).

کیفری نداشتن و بی تأثیر بودن اقدامات و همچنین هزینه بر بودن اقدامات، به گونه ای جدی نقدپذیر و ناپذیرفتنی تلقی شده است. ازسوی دیگر، ادله اثباتی مانند آیه وقایه، آیه لاتضار، آیات دال بر امر به معروف و نهی از منکر و همچنین روایاتی از قبیل لاضرر و دلیل عقلی، بر ضرورت مطالعه و اقدام در امر پیشگیری متربیان کم توانان ذهنی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت، توانبخشی، حضانت، فقه تربیتی، مورد اهتمام شارع، و وقایه.

مقدمه

در گذشته، نظریات افراطی طرد و مجازات بر اساس جانی بالفطره دانستن کم توانان ذهنی رواج داشت؛ اما امروزه، رویکردها و تلاش ها در جهت حمایت، آموزش و درمان ایشان، به دلیل مشاهده آثار قابل توجه آن است. به هر حال، با توجه به افزایش ارجاعات قضایی ایشان بر اساس برخی آمارها و وجود ارتباط بین بزهکاری و بهره پایین هوشی و تبعات خاص آن، خصوصاً ناسازگاری های رفتاری، بر اساس برخی یافته ها، ضرورت پرداختن به پیشگیری از بزهکاری این گروه لازم است.

پرسش اصلی این است که چه ادله ای پرداختن به پیشگیری از بزهکاری کم توانان ذهنی را ایجاب می کند و ضرورت می بخشد؟

همه ریسک فاکتورهایی که به طور عمومی برای بزهکاری برشمرده می شود، در مورد کم توانان ذهنی نیز موضوعیت دارد و علاوه بر آن، ریسک فاکتورهای سوء رفتارها و انحرافات در کودکی و نوجوانی در کم توانان ذهنی نسبت به دیگران بیشتر است و چه بسا در صورت عدم مداخلات بهنگام و لازم، این انحرافات پایدار می شود و در نهایت، در اواخر دهه بیست یا اوایل سی سالگی به بزه می انجامد (معاونت بین الملل

وزارت دادگستری امریکا، ۱۹۸۴). اگرچه با دیدی واقع‌بینانه، کم‌توانی ذهنی و تبعات آن، ترسیم‌کننده نوعی بحران و چالش ویژه در خصوص بزهکاری کم‌توانان ذهنی نیست، پرداختن اختصاصی و تخصصی به مقوله پیشگیری از بزهکاری این گروه، به عنوان بخشی از جامعه که در مجموع، ریسک فاکتورها در ایشان از ابعاد مختلف قوت دارد، اغماض ناپذیر است. این پژوهش با استناد به ادله عقلی و نقلی، به بررسی انگاره مخالف و نگرش موافق ضرورت پیشگیری از بزهکاری این گروه می‌پردازد. روش‌شناسی پژوهش از منظر رویکرد، در شمار تحقیقات کیفی و از لحاظ روش، توصیفی - استنباطی است و نمونه‌گیری در آن، به شیوه هدفمند انجام شده (گردآوری ادله موافق و مخالف ضرورت پیشگیری از بزهکاری کم‌توانان ذهنی) و روش تحلیل آن، تحلیل محتوای کیفی (و نقد و بررسی ادله ضرورت پیشگیری و عدم آن از منظر آموزه‌های قرآنی، روایی، عقلی و رد ادله مخالف) است.

خوش‌اندام و همکاران (۱۳۸۵)، و حسینی (۱۳۹۵)، و شفایی و همکاران (۱۳۹۷)، و دهدارزاده و همکاران (۱۳۹۸)، و محققانی دیگر، در تحقیقات فقهی، مدنی و جزایی حول اصل مسئولیت شرعی، مدنی و کیفری کم‌توانان ذهنی، نحوه اعمال مجازات بر ایشان، حقوق ایشان و همچنین تکالیف شرعی دیگران در مواجهه با ایشان مانند الزام به رعایت حجاب در حضور ایشان و مسائلی از این دست پرداخته‌اند. اما این پژوهش بر اساس آموزه‌های دینی - فقهی، به ضرورت توجه به مسئله پیشگیری از بزهکاری ایشان از سوی والدین و دولت می‌پردازد.

۲. شناخت مفاهیم

الف) کم‌توان ذهنی

بهره‌هوشی بین پنجاه تا هفتاد بیان‌گر کم‌توانی ذهنی خفیف، (وزارت آموزش و

پرورش، ۱۳۹۸: ۱۸ - ۱۹؛ علیزاده، ۱۳۸۷: ۱۲۷ - ۱۴۰) و بهره هوشی هفتاد تا ۸۵ بیان گر هوش مرزی است (فرنل، ۲۰۲۰: ۷۷ - ۸۱).

افراد کم توان ذهنی، که تا پیش از ۲۲ سالگی مشخص شوند، در عملکردهای فکری یا هوش و رفتار انطباقی در مقایسه با دیگران محدودیت قابل ملاحظه دارند (انجمن نارسایی هوشی و تحولی امریکا، ۲۰۲۱).

افراد با هوش مرزی، اخیراً در روان شناسی از کم توانان ذهنی خفیف مجزا شده؛ اما در مطالعات جرم شناسی، همچنان تمایل به بررسی این دو گروه در ضمن هم است (دوما و دیگران، ۲۰۰۷: ۲۰۷ - ۲۲۰).

در این نوشتار مراد از گروه هدف یا کاربرد مجرد کم توانان ذهنی، کودکان و نوجوانان دارای هوش مرزی و کم توانان ذهنی خفیف است.

ب) پیشگیری؛ مفهوم، رویکردها و انواع

پیشگیری در لغت، جلوگیری و دفع (کردن) است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵۹۹۱). ماده یک قانون پیشگیری از جرم، این اصطلاح را چنین تعریف کرده است: «پیش بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن».

رویکردهای مهم پیشگیری از جرم، عبارت اند از: مقابله با عوامل خطرزا و حمایت از عوامل مقاومت زا. امروزه، بیشتر رویکردها در پیشگیری از جرم، معطوف بر مقابله با ریشه ها، زمینه ها، علل و عوامل بزهکاری است. به عبارت دیگر، دفع (جلوگیری) از بروز ریسک فاکتور یا رفع (از بین بردن یا نامؤثر کردن) ریسک فاکتورها مد نظر است (هاشم زاده، ۱۳۹۰: ۵۶ - ۸۷).

پیشگیری رشد مدار، بر شناسایی کودکان و نوجوان مستعد بزهکاری و انجام

اقدامات لازم تعلیمی و تربیتی و روان‌شناسی و مشاوره‌ای برای ایشان و خانواده‌هایشان دلالت دارد (دیلی و دیگران، ۲۰۰۰: ۱۰۵۹-۱۰۶۷).

ج) بزهکاری

بزهکاری، به معنای عصیان و گناهکاری است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۷۱۹). رفتار بزهکارانه کودکان و نوجوانان، شامل انحرافات و نابهنجاریهای اجتماعی از قبیل فرار از مدرسه یا اعمال غیرقانونی مانند سرقت است (ابوالمعالی، ۱۳۹۴: ۱۰؛ دیلی و دیگران، ۲۰۰۰: ۱۰۵۹-۱۰۶۷).

د) اختلالات و سوءرفتار^۱

اختلال رفتاری یعنی رفتارهای نامتناسب با سن کودک، و ناسازگاری و رفتارهای چالشی یعنی رفتارهای مخاطره‌آمیز در میان گروه هدف، فراوان است (ملک‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۱-۳۲، ۴۰ و ۱۷۸-۱۷۹).

پرخاشگری، خودآسیب‌زنی، رفتارهای کلیشه‌ای و تکراری، در میان گروه هدف وجود دارد (به‌پژوه و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۵۵-۱۷۰).

جرائم کم‌توانان ذهنی

حمل مشروبات الکلی، مواد مخدر و سرقت (بهره‌مند، ۱۳۹۸: ۲۰۳-۲۴۰)، جرایم جنسی، آتش‌افروزی، تهاجم شخصی، ولگردی و بعضاً کودک‌ربایی، از جرایم گروه هدف است که آمارهای مختلفی از این موارد در تحقیقات وجود دارد (رک: فدایی، ۱۳۷۷). تخریب، تمرد از انجام دستورها، فرار از خانه و مصرف مواد نیز از دیگر جرایم کم‌توانان ذهنی تا سن ۲۱ سالگی شناخته شده‌اند (دوما، ۲۰۰۷: ۲۰۷-۲۲۰).

۳. ادله مخالفت با پیشگیری از بزهکاری کم‌توانان ذهنی

کم‌توانان ذهنی، در گذشته از حیث جرم‌شناسی، بسیار چالش‌برانگیز بودند (گودی، ۲۰۱۱، ۱: ۴۰ و ۲۰)؛ اما امروزه در برخی جوامع، مطالعات و اقدامات لازم جرم‌شناسی در خصوص ایشان به صورت تخصصی صورت نمی‌گیرد (دوما و دیگران، ۲۰۰۷: ۲۰۷ - ۲۱۰). علاوه بر فقدان اطلاعات و آمار لازم در این خصوص، دلایلی برای مخالفت با ضرورت پرداختن به پیشگیری از بزهکاری ایشان، موجود یا متصور است.

الف) نسبت کم‌تعداد کم‌توانان ذهنی به کل جامعه

ممکن است برخی گمان کنند به دلیل درصد پایین این افراد در جامعه و درصد پایین بزهکاری ایشان، پرداختن به این مسئله اهمیتی ندارد؛ اما بر اساس آمار موجود در ایالات متحده آمریکا، به طور میانگین بیش از چهار درصد جمعیت را کم‌توانان ذهنی زیر ۲۲ سال تشکیل می‌دهند (افلین، ۲۰۱۸) و دوازده تا چهارده درصد افراد جامعه را نیز افراد با هوش مرزی تشکیل می‌دهند. ریسک فاکتورها نیز از حیث کمی (تعداد) و کیفی (عمق و شدت) در کم‌توانان ذهنی نسبت به دیگران، بیشتر است (فرنل، ۲۰۲۰).

میانگین هوشی نوجوانان بازداشت‌شده نیز در برخی تحقیقات داخلی، هوش مرزی شناخته شده است (کربلایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۱۰ - ۲۳۹؛ مشکانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۷ - ۱۵۲).

ب) رفع مسئولیت کیفری از کم‌توانان ذهنی

تصور فقدان مسئولیت کیفری گروه هدف نیز می‌تواند به عنوان دلیلی برای مخالفت با ضرورت پرداختن به پیشگیری از بزهکاری گروه هدف مطرح شود. اما رفع مسئولیت کیفری به نحو مطلق و به عنوان یک حکم ثابت، آن‌گونه که در

خصوص مجانین و خردسالان وجود دارد، نسبت به گروه هدف وجود ندارد (دهدارزاده، ۱۳۹۶: ۱۶۵ - ۱۶۶) و اثبات فقدان عنصر معنوی برای رفع مسئولیت کیفری، لازم است (دهدارزاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۴۹ - ۱۶۵). در ضمن، پیشگیری از بزه دیدگی دیگران، حفظ امنیت جامعه، جلوگیری از هدر رفتن بسیاری از منابع و استفاده صحیح و شایسته از منابع نیز از اهداف پیشگیری از بزهکاری است (وزارت توسعه منابع انسانی هند، ۲۰۱۸).

همچنین برخی خسارت‌ها جبران ناپذیر است و خسارات مادی و معنوی رانیز با توجه به مورد، باید گروه هدف یا سرپرستان و... بپردازد (مواد ۷ق.م.م و ۱۱۶۸ و ۱۲۱۰ق.م).

ج) عدم تأثیر یا عدم احتمال تأثیر راهکارهای پیشگیری

ممکن است برخی تصور کنند افزایش ادراک و شناخت، به طور کلی در ایشان امکان ندارد و توانایی یادگیری مفهوم جرم، انواع جرایم، ماهیت و عواقب آنها و... نیز را ندارند یا به دلیل اختلالات رفتاری یا وجود تکانه‌ها اساساً رفتارهایی غیرقابل پیش‌بینی و کنترل دارند؛ یعنی نمی‌توانند به مرحله خودتنظیمی و خودنظارتی برسند. اما برخی تحقیقات، تأثیر تعلیم و تربیت و توانبخشی در افزایش ظرفیت‌های هوشی، درمان سوء رفتارها و همچنین پیشگیری از بزهکاری ایشان را اثبات کرده است (فرنچ، ۲۰۰۷: ۴۰ - ۶۲؛ بیان‌زاده و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۷ - ۳۴). همچنین کم‌توانان ذهنی آموزش‌پذیر بزهکار نیز از نظر یادگیری مهارت‌های اجتماعی، می‌توانند به حد نوجوانان عادی برسند (وحید، ۱۳۹۶: ۱۸۸۴ - ۱۸۵۱).

در ضمن، در خصوص برخی روش‌های پیشگیری از جرم و به طور خاص در مورد امر به معروف و نهی از منکر - به مثابه روش پیشگیری - شرط احتمال تأثیر که در وجوب امر به معروف و نهی از منکر از سوی فقیهان مطرح شده است، قابل تأمل است (عاملی،

۱۴۱۳، ۳: ۱۰۳؛ عاملی، ۱۴۲۲: ۳۲۲)؛ زیرا امام حسین علیه السلام به رغم این که می دانستند امر به معروف و نهی از منکر ایشان تأثیری بر یزید و همراهان وی ندارد، به قیام مبادرت فرمودند. از این رو، نباید در شرطیت احتمال تأثیر در وجوب امر به معروف و نهی از منکر، به تأثیر آبی و دفعی توجه نمود (ایزدی فرد و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۱۹ - ۲۴۶). افزون بر این، بر فرض شرطیت احتمال تأثیر، در وجوب امر به معروف و نهی از منکر، امر به معروف و نهی از منکری که احتمال تأثیر در آن وجود نداشته باشد، لغو و بیهوده نخواهد بود (منتظری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳۷ - ۱۶۰). در ضمن، می توان از سایر راهکارهای پیشگیری از جرم، در موارد حاد و فوری، تا حصول نتایج پیشگیری رشدمدار، در کنار آن بهره برد.

د) تحمیل هزینه، اتلاف وقت و صرف انرژی اضافی

هزینه بر بودن تشخیص و تعلیم و تربیت و توانبخشی برای پیشگیری از بزهکاری، دلیل دیگر مخالفت با ضرورت پیشگیری از بزهکاری می تواند باشد. در پاسخ باید گفت هزینه ای که جرم دارد، بیشتر از هزینه پیشگیری است و مسائل مورد اهتمام شارع، به هیچ عنوان نباید نادیده گرفته شود و ارزش هر انسان نزد خداوند، بسیار بالا و درخور توجه از سوی حاکمیت اسلامی است (حاجی ده آبادی و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۳ - ۶۰). در ضمن، به طور کلی، تعلیم و تربیت و توانبخشی، از حقوق گروه هدف بوده (ماده ۳، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان)، و مؤثر است و در نهایت، هزینه ای کمتر از پناهگاهی بار آوردن ایشان دارد.

در ضمن، با توجه به مسلم بودن امکان بزهکاری گروه هدف، باید توجه داشت ارجاع ایشان به دستگاه قضا نیازمند مداخلات نیروهای خاص و طی فرآیندهای خاص و تخصصی از لحظه وقوع جرم تا آیین دادرسی کیفری و صدور حکم و اعمال مجازات

یا اقدامات لازم است. این امر، مستلزم هزینه‌های خاص و البته گزاف (از آموزش نیروها گرفته تا استخدام ایشان و ایجاد امکانات لازم و...) است (فرنچ، ۲۰۰۷: ۶۱).

ه) امکان اجرای سایر راهکارهای پیشگیری و عدم نیاز به راهکارهای پیشگیری خاص ممکن است تصور شود تحقیقات و اقدامات پیشگیری از جرم، با کلیتی که دارد، گروه هدف را نیز شامل می‌شود و نیاز به بررسی تخصصی نیست. در پاسخ باید گفت اولاً مداخلات پیشگیری رشد‌مدار در گروه هدف، لزوماً تخصصی است. ثانیاً اقدامات تخصصی، نافی امکان آن تعمیم نیست؛ اما به‌هرحال، گاهی مداخلات عادی، خصوصاً در پیشگیری قضایی نسبت به ایشان و عدم مداخلات حرفه‌ای تخصصی نسبت به ایشان، نتیجه کاملاً عکس می‌دهد. برای مثال، وقتی بزهکاری در مرحله شروع به جرم است یا در صحنه جرم در حال ارتکاب است یا پس از ارتکاب جرم در دسترس است، مداخلات پلیسی باید کاملاً تخصصی و توسط نیروهای آموزش دیده در خصوص نحوه مواجهه و رفتار با کم‌توانان ذهنی باشد؛ زیرا ممکن است به دلیل اضطراب حاصل شده، بی‌اعتنایی مقابله‌ای در ایشان، غالب شوند یا به دلیل فقدان توجه و تمرکز کافی و... در آن لحظه، اصلاً متوجه دستورهای پلیس نشوند و در نتیجه، کاملاً خلاف اوامر پلیس عمل کنند. این امر در خصوص نگهداری در اندرزگاه‌ها یا کانون‌های اصلاح و تربیت نیز باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا به دلیل مشکل بی‌اعتنایی مقابله‌ای یا نفهمیدن دستورها در لحظه، در مواردی به دلیل تمرد از دستورات زندانبان، مجازات‌های ایشان افزایش می‌شود و این اقامت‌ها در صورتی که تخصصی و با آموزش و توانبخشی و درمان همراه نباشد، نمی‌تواند پیشگیری ثانویه از جرم نماید (فرنچ، ۲۰۰۷: ۶۱).

و) عدم نیاز جامعه به حضور ایشان و بی‌نیازی اینان برای حضور در جامعه

برخی با دید استثنایی دانستن کم‌توانان ذهنی، قائل‌اند برای پیشگیری از جرم ایشان، کافی است مانع حضور ایشان در جامعه شد؛ زیرا ایشان و جامعه را نیازمند هم نمی‌بینند. این رویکرد انزواگرایانه و طردگرایانه گروه هدف، پیش از این به صورت واضح مطرح و اعمال می‌شد (گودی و دیگران، ۲۰۱۱: ۱-۱۵)؛ اما این رویکرد، و عدم مساعدت‌های لازم به ایشان به منظور کسب حداکثر توانمندی‌ها برای بهره‌مندی ایشان از بهترین حیات اجتماعی ممکن، مغایر با حقوق ایشان است.

بر اساس قرآن، استعداد، اعم از ذاتی و اکتسابی است (علم‌الهدی، ۱۳۹۸: ۲۷-۵۴). کم‌توانان ذهنی نیز استعدادهایی ذاتی دارد و ازسوی دیگر، تأثیرات قابل توجه تعلیم، تربیت و توانبخشی، بر کسب انواع توانایی‌های کم‌توانان ذهنی، از طریق تحقیقات متعدد ثابت شده است. پس مهمل‌گذاشتن و باطل‌انگاریدن حضور ایشان در جامعه، مصداق ظلم به ایشان است؛ حال این‌که تکلیف، بر اجرای عدالت است (آل عمران، آیه ۱۹۱).

۴. لزوم پیشگیری از بزهکاری کم‌توانان ذهنی

احکام مختلفی که مبین تکالیف افراد نسبت به خودشان یا دیگران و همچنین وظایف حاکم در جهت پیشگیری از جرم است، در اسلام وجود دارد (بیداروند، ۱۳۹۲: ۴۹-۷۴).

کشف دیدگاه شریعت در خصوص پیشگیری از بزهکاری کم‌توانان ذهنی در کنار نظرات روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، توجه و اهتمام لازم مکلفین نسبت به آن را در پی دارد.

الف) آیات

می‌توان آیاتی از قرآن کریم را یافت که به عموم یا اطلاق لفظی یا معنایی، بر لزوم پیشگیری در مورد گروه هدف دلالت دارد.

یکم - آیه: ﴿مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾ (مائده، آیه ۳۲)

مفسران بر اساس روایات ناظر بر این آیه به تبیین آن پرداخته‌اند. مراد از احیا در این روایات، سه حالت دانسته شده است:

الف) خارج کردن شخصی از ضلالت و هدایت و دعوت او به مذهب حق (کلینی، ۱۴۲۹، ۲: ۲۱۰ - ۲۱۱)؛ ب) نجات دادن کسی از خطر (مرگ) مانند غرق شدن و آتش سوزی (همان؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۱: ۲۸۴)؛ ج) پرداخت دیه به جای قصاص در صورت وجود شبهه مانند زمان تعارض اقرارها و شهود (کلینی، ۱۴۲۹، ۷: ۲۸۹؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳: ۲۳؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۶: ۳۱۵ و ۱۰، ۱۷۳).

بر پایه روایات، احیا با رفتار ایجابی و سلبی محقق می‌گردد. برای مثال، در نجات غریق یا نجات از حریق، اقدام ایجابی محقق است و در عدم قصاص، عدم اقدام برای سلب حیات وجود دارد. در برخی روایات آمده است که بزرگ‌ترین احیا، دعوت به مذهب حق و پذیرش آن است (کلینی، ۱۴۲۹، ۲: ۲۱۰ - ۲۱۱). با توجه به روایات مختلف، احیا، انحصار به بالاترین مصداق ندارد و امکان تأویلات مختلف برای احیا وجود دارد. بر این و با توجه به عدم امکان تطبیق دلالت این آیه از احیاء بر معنای لغوی یعنی آفرینش یا مرده را زنده ساختن، مفسران مراد از آن را هر چیزی که در عرف عقلا احیا شمرده شود، دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۵: ۵۱۳ - ۵۳۱). همچنین از آنجا که همه انسان‌ها در حقیقت انسانی واحدند، احیای یک انسان، مانند احیای جمیع انسان‌ها آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴: ۳۵۶).

پیشگیری از بزهکاری گروه هدف، پیشگیری از بروز انواع مخاطراتی است که در جریان بزهکاری و رسیدگی به آن ایشان را تهدید می‌کند و همچنین پیشگیری از بروز انواع آسیب‌ها برای بزه‌دیدگان بالقوه است و در هر دو صورت، نوعی احیاست (سالاری و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۵ - ۷۴). پیشگیری از بزهکاری، حفظ امنیت جامعه می‌باشد که تمامیت حیات جامعه به آن است و در نتیجه، نوعی احیا نیز برای جامعه می‌باشد.

هدایت، بالاترین مصداق احیاست و پیشگیری رشد مدار بر پایه تعلیم و تربیت، نوعی هدایت است.

دوم - آیه وقایه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ (التحریم، آیه ۶)

نار به عذاب اخروی و درواقع، تجسم اعمال دنیوی تفسیر شده است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۹: ۵۶۰).

بر اساس روایات، وقایه اهل از نار، با امرونهی ایشان تحقق می‌یابد. موضوع این امرونهی، همان اوامر و نواهی به خویشان یا اوامر و نواهی شرعی (اعم از الزامی و تنزیهی) و یا مطلق امرونهی است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵: ۶۲) که شامل اوامر و نواهی عقلی و عرفی، در صورت غیرشرعی نبودنشان نیز هست. امرونهی فرزند غیرمکلف نیز به دلیل لزوم آماده‌سازی وی برای دوری از معاصی پس از سن تکلیف، خالی از وجه نیست (اعرافی، ۱۴۰۰: ۳۰). روشن است که این دلیل، فقط مسئولیت و تکلیف خانواده را ترسیم می‌کند.

افراد کم‌توان ذهنی نیز اگر در حد کافی، شعور و تمیز نسبت به تکالیف شرعی داشته باشند، مکلف خواهند بود (مکارم‌شیرازی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر ایت‌الله‌العظمی مکارم).

هر شخص عاقل، خودش را از اعمال خلاف جان و مال و... خود و دیگران و همچنین رفتارهای خلاف عرف باز می‌دارد. بر اساس روایتی که موضوع امرونهی را همان اوامر و نواهی به نفس بیان می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۶۲)، لزوم پیشگیری از بزهکاری گروه هدف، با امرونهی ایشان، قابل استنباط است.

نکته دیگر این‌که مراد از آتش، می‌تواند تکوینی باشد (کمالی، ۱۳۷۰: ۶۴۰) نه صرفاً شرعی؛ به این معنا که بخش عمده‌ای از بزه‌ها که از معاصی نیز هستند، اثر وضعی دارند و فقدان مسئولیت کیفری و مسئولیت شرعی، مانع از اثر وضعی آنها نیست. مهم‌ترین اثر وضعی آنها هم انواع آسیب‌ها و خطراتی است که در فرایند انجام هر بزه به دلایل مختلف، بزه‌دیده، دیگران و خود بزهکار را تهدید می‌کند. همچنین ایجاد مشکلات روانی و شخصیتی در صورت تکرار بزه‌ها و پایداری سوء رفتارها بخش دیگری از این آثار وضعی است. با توجه با این‌که گروه هدف، دیرتر از دیگران واجد شرایط تکلیف می‌شوند، ضرورت وقایه در زمان مکلف نبودن برای جلوگیری از عادت و تثبیت معاصی، لازم‌تر است؛ همانطور که برخی فقهای معاصر، آیه وقایه را شامل قبل از بلوغ هم دانسته‌اند (اعرافی، ۱۴۰۰: ۳۰).

افزودنی است که بیشتر مفسران در خصوص وقایه به وجوب تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر اهل، در جهت خوبی‌ها اشاره کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۴: ۲۸۶؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ۲۵: ۱۴۶). با توجه به تأثیر قابل توجه تعلیم و تربیت کم‌توانان ذهنی، حکم به وجوب تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر مستفاد از این آیه، قابل تعمیم به آنهاست؛ زیرا چه بسا با تعلیم و تربیت و درمان، پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای کسب کنند و به‌رغم عدم احراز شرایط تکلیف به‌طور کامل، به سمت بسیاری از معاصی و بزه‌ها متمایل نشوند.

سوم - آیه ﴿وَلَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ...﴾ (الحج، آیه ۲۲)

این آیه به جهاد اختصاص ندارد و مبین وجوب دفاع در برابر هر تجاوزی، به ویژه معاصی اجتماعی است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۵۴۵). مدلول التزامی فراگیری فساد در زمین در صورت عدم دفع آن، می تواند این باشد که چون نباید فساد، زمین را پُر کند، لازم است گروهی توسط گروه دیگر دفع شوند. پس دفع کردن، فی الجمله واجب است.

لزوم پایبندی به هر دو مقوله رفع و دفع در خصوص معاصی و... مورد توجه شریعت بوده است (تبریزی، ۱۳۷۵: ۸۶؛ میرخلیلی، ۱۳۸۳: ۵۹ - ۷۶). بر اساس این آیه که از مستندات دفاع مشروع است، ماهیت تدافعی برای پیشگیری از بزهکاری، خصوصاً پیشگیری وضعی مفروض می گردد. لازمه دفع و رفع، مقابله با زمینه ها، اسباب و ابزار گناه و بزه، و از بین بردن زمینه ها، فرصت ها، موقعیت ها، ابزارها، مقدمات و وضعیت های محرک و معد بروز و وقوع انواع جرایم یا گناهان است که در شریعت وجود دارد (میرخلیلی، ۱۳۹۰: ۹۵ - ۱۲۵). طُرفه آن که این دفاع می تواند با آگاهی بخشی یعنی تعلیم و هدایت و... همراه باشد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۵۴۵) و این نکته قابل تطبیق بر پیشگیری رشد مدار است. مفسران، به طور ضمنی به ماهیت پیشگیرانه دفع اشاره کرده اند؛ به این صورت که مؤمنان نباید نظاره گر هجوم باشند؛ یعنی باید به نحوی عمل کنند که فساد، اجازه و مجال گسترش نیابد. از همین روست که تقدم با منطق است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۱۱۹). بر این، در خصوص پیشگیری از بزهکاری گروه هدف نیز با توجه به مؤثر بودن اقدامات تعلیمی و تربیتی و توان بخشی، لازم است پیشگیری رشد مدار بر پیشگیری وضعی و قضایی تقدم داشته باشد و اساساً به خاطر جلوگیری از انجام بزه اتفاق افتد.

در نهایت، از آیه برمی آید که آنچه معتنابه و مهم است، فساد است که در زمین گسترده می شود. از این رو، حتی اگر توسط شخصی که فاقد مسئولیت کیفری است،

کار خطا رخ بدهد، اثرش در عالم خارج (یعنی گسترش فساد) واقع می‌شود و مهم، دفع این اثر است. پس این آیه، وافی به لزوم کفایی پیشگیری از مطلق تحقق فساد فارغ از این‌که فساد از سوی مکلف صادر شده باشد یا غیر مکلف، می‌باشد.

چهارم - آیه ﴿لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا، وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ﴾ (البقره، آیه ۲۳۳)

در تفسیر نفی ضرررسانی، دو احتمال وجود دارد: جمله خبری در مقام نفی ضرر رسانی از جانب فرزند به والدین است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۲: ۳۶۲) که بر این، می‌توان گفت والدین، نباید درباره امور فرزندشان به نوعی عمل کنند که متحمل ضرر جسمی، مالی و... شوند. تعبیر دیگر این‌که والدین نباید به فرزندشان ضرر برسانند. در این خصوص، به وجه نفی ضرر روحی و جسمی تصریح شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲: ۱۸۸). با توجه به این‌که مضاره برای ضرر طرفینی به کار می‌رود (طبرسی، ۱۳۶۰، ۳: ۳۳)، به نظر می‌رسد آیه بر هر دو حالت می‌تواند دلالت داشته باشد.

در فرض انتفای مسئولیت شرعی و کیفری گروه هدف، مسئولیت مدنی برای جبران خسارت حاصل از ضرر و زیان وارد شده ازسویی، و تبدیل برخی مجازات‌ها مانند قصاص به دیه وجود دارد که در برخی فروض، مسئولیت پرداخت با والدین، و در برخی موارد در صورت وجود مال، با خود گروه هدف است (ر.ک: ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی). به این ترتیب، گویی فرزندان مایه ضرر والدین شده‌اند و حال این‌که برعکس، والدین با فعل یا ترک فعل نسبت به امور فرزندان، خود زمینه‌ساز این ضرر شده‌اند و نباید این‌طور شود.

با توجه به وظایف والدین و... به عنوان حاضن (ر.ک: هاشمی شاهرودی و دیگران، ۱۴۲۶، ۳: ۳۰۸)، مراقبت و نگهداری از شخص تحت تکفل، تعلیم و تربیت و...، ذیل آن و از مصالح عالیه کودک است (صعیدی و دیگران، ۱۴۱۰، ۱: ۹؛ حسینی‌زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۸: ۱۵۳). از آنجاکه انواع مخاطرات در جریان ارتکاب هر بزه،

به هر نوع، بزهکار را تهدید می‌کند و به هر حال، معمولاً دست کم باید خسارات مادی جبران شود؛ پس پیشگیری از بزهکاری ایشان، مراقبت از جان و مال ایشان است.

پنجم - ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (النحل، آیه ۹۰)

امیرالمؤمنین (علیه السلام)، عدل را انصاف، و احسان را تفضل بیان می‌فرمایند (رضی، ۱۴۱۴: ۵۰۹). احسان، خیر دیگران را با خیر بیشتری تلافی کردن و شرّ آنان را با شرّ کمتری مجازات کردن و همچنین خیررسانی ابتدایی و تبرعی است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۲، ۴۷۹). عدل، ادای واجبات، و احسان انجام مستحبات نیز بیان شده یا عدل، توحید (اعتقاد)، و احسان ادای واجبات (عمل) است.

به هر حال، احسان، واجد مصادیق واجب و مستحب است. در صورتی که موضوع بزهکاری از موارد مورد اهتمام شارع باشد که شارع در هیچ صورت، رضایت به انجام آنها ندارد، پیشگیری از بزهکاری، احسان به همه افرادی است که در فرایند بزهکاری متحمل ضرر می‌شوند.

از سوی دیگر، از آنجاکه والدین و... به سبب ولایت و حضانت، مسئولیت در برابر افراد تحت تکفل و اعمال ایشان را دارند، پیشگیری از بزهکاری کم‌توانان ذهنی، در مدت تحت حضانت بودنشان، نوعی کمک به والدین و احسان به والدین و دیگران تلقی می‌شود.

ششم - آیه تواصی به حق و صبر: ﴿تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ (العصر، آیه ۳)

لغویون، حق را نقیض باطل (فراهِیدی، ۱۴۱۰، ۳: ۶) یا خلاف باطل (فیومی، بی تا، ۱۴۳: ۲) معنا کرده‌اند.

براساس قرآن، تا دوازده معنا برای حق می‌توان برشمرد؛ مانند خدا، قرآن، اسلام، توحید، عدل، صدق، آشکار بودن، واجب بودن، حق، واقعیت یا مطابقت با واقعیت

نیز تبیین شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۷: ۳۰۲). مفسران، مراد از حق را خداوند نیز بیان کرده‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۲۰: ۶۱۲)؛ از این رو تواصی به حق نیز دامنه وسیعی دارد و شامل امر به معروف و نهی از منکر، تعلیم و ارشاد جاهل، تنبیه غافل، تشویق و تبلیغ ایمان و عمل صالح می‌شود؛ یا سفارش به حق، سفارش به بایدها و نبایدهایی است که شرع و عقل دال بر آن هستند. بدیهی است مقدمه سفارش و لازمه اثرگذاری آن، طرف‌داری از حق و عامل به آن بودن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۷: ۳۰۲).

صبر انواعی دارد: صبر بر اطاعت خدا، صبر در برابر معصیت، و صبر در رویارویی با مصائب. از آنجاکه این آیه مطلق است، هر سه نوع را شامل می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۲۰: ۶۱۲). از آن رو که علت بسیاری از بزهکاری‌ها، عدم صبر بر معصیت یا بی‌صبری در مصیبت است، توصیه به آن، عاملی در پیشگیری از بزهکاری است.

با توجه به توضیحات مفسران در خصوص حق، می‌توان پیشگیری از بزهکاری کم‌توانان ذهنی در امور مورد اهتمام شارع را از مصادیق قطعی حق دانست. والدین و دیگران، باید کم‌توانان ذهنی را به دلیل کاستی‌ها و تحمل سختی‌های زیاد، با روش‌های متناسب آنها تواصی به صبر نمایند. نتیجه صبر در آموزش‌ها و توانبخشی‌ها و درمان‌ها، بهبود مسائل شناختی و سازگاری رفتاری ایشان خواهد بود و همچنین با تواصی به صبر در موارد مختلف، از سوء رفتارهای ایشان پیشگیری می‌شود. لازم است دیگران نیز والدین کم‌توانان ذهنی را که متحمل مرارت‌های فراوان هستند، توصیه به صبر کنند تا از وظایف حضانتی خود که از مهم‌ترین آنها مراقبت از نفوس و اعمال کم‌توانان ذهنی است، که خود این هم از مصادیق حق است، کوتاهی و غفلت نکنند. پس از آنجاکه تواصی به حق و صبر، اساساً جنبه اجتماعی دارد، با مقوله پیشگیری از بزهکاری ارتباط تنگاتنگ دارد.

هفتم - آیات امر به معروف و نهی از منکر: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران، آیه ۱۰۴)

لغویون، معروف را مستحسن نزد عقل و شرع (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ۲: ۳۷۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۶۱) و عمل و قول مطابق عقل و فطرت سلیم (قرشی، ۱۴۱۲، ۴: ۳۲۷)، جامع آنچه طاعت خدا و موجب تقرب وی و احسان به مردم است و همچنین تمام مستحبات و... دانسته اند (ابن اثیر، بی تا، ۳: ۲۱۶) منکر، هم آن چیزی است که از نظر عقل یا شرع قبیح است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ۷: ۵۵۸). همین موارد در جاهای دیگری نیز آمده است (عاملی، ۱۳۶۰، ۲: ۳۳۵؛ مقدس اردبیلی، بی تا: ۴۸۷؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ۲۰: ۳۵۴).

همچنین «معروف» به معنای شناخته شده (از ماده عرف)، و «منکر» به معنای «ناشناس» (از ماده انکار) است؛ زیرا کارهای نیک، آشنا و مأنوس با فطرت و خرد است و کارهای ناپسند این گونه نیست. امر به معروف و نهی از منکر در امور اجتماعی، که دامنه آسیب به یک شخص محدود نیست، برای پیشگیری از تسری آسیب به خود امر و ناهی، به حکم عقل واجب است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳: ۳۷).

آیات امر به معروف و نهی از منکر را از دو حیث می توان دال بر بحث ضرورت پیشگیری دانست: یکی این که در مواردی که شارع اهتمام و غرض خاص به حفظ حرمتشان دارد، حتی اگر انجام دهنده فعل قبیح، مکلف نباشد، برای حفظ رضایت شارع، بر مکلف پیشگیری از هتک آن حیثیت لازم است (السیوری، بی تا، ۱: ۴۰۸)؛ از این رو باید با روشی قابل فهم و اثرگذار، نهی از منکر و... انجام شود. دیگر این که پیشگیری از بزهکاری کم توانان ذهنی در امور مورد اهتمام شارع، مصداق معروف

است که مؤمنان باید همدیگر را به آن امر کنند و با توجه به توان و بسط یدِ حاکم، به تعبیر برخی فقهای معاصر، «حاکم نسبت به این تکلیف [امربه معروف]، مصداق اتم است» (اعرافی، ۱۳۹۹: ص ۱۸۲).

امر به پیشگیری از سوء رفتار کم‌توانان ذهنی تحت تکفل سرپرستان نیز از موضوعات امربه معروف و نهی ازمکر است. پس امربه معروف و نهی ازمکر، اساساً جنبه اجتماعی دارد و به همین دلیل، با مقوله پیشگیری از بزهکاری، ارتباط انکارناپذیر دارد و شامل همه مکلفان اعم از خانواده و عموم مردم و حکومت می‌شود.

هشتم - آیه تعاون: ﴿تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (مائده، آیه ۲) لغویون، برّ را به صدق و طاعت معنا کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴: ۵۱) که در اصل توسعه، بوده و سپس در معنای نیکی‌ها و خوبی‌ها و احسان به کار رفته، که توسط شرع، مصادیق یا معیارهای آن در اعتقادات و اخلاقیات و اعمال بیان شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱: ۵۹۸).

مراد از تعبیر اعانه در این آیه، حمایت است. ملاک و معیار سنجش برّ و تقوا در مسیر تعاون و حمایت آن، رضایت الهی بوده، شامل امور مادی و معنوی است و برّ و تقوا بودن، اختصاص به امور معنوی ندارد. به دلیل این که تعاون برّ و تقوا و عدم تعاون بر اثم و عدوان، مفهومی ناظر بر جنبه اجتماعی است، با مقوله پیشگیری از بزهکاری، بسیار مرتبط به نظر می‌رسد.

در مواردی که غرض شارع، صرفاً با عدم هتک آن حیثیت تحقق می‌یابد، مکلف بودن یا نبودن صادر فعل قبیح، برای عدم همراهی با وی، موضوعیت ندارد. از این رو، باید تلاش شود تا با سکوت و اغماض، تعاون بر اثم و عدوان محقق نگردد. جهت دیگر این که با توجه به توضیحاتی داده شده در خصوص برّ، پیشگیری از بزهکاری

کم‌توانان ذهنی در امور مورد اهتمام شارع، مصداق برّ است که مؤمنین باید همدیگر را در آن، تعاون کنند.

البته در خصوص اعانه، یعنی کمک کردن در برّ، می‌توان این‌گونه تقریر کرد که چون پیشگیری از بزهکاری کم‌توانان ذهنی، به دفع ضرر و مفسده از اشخاص مختلف می‌انجامد، پیشگیری از بزهکاری ایشان، مصداقی از اعانه و کمک کردن به افراد مختلفی است که ضرر و مفسده از ایشان دفع شده و به این طریق، به ایشان نیکی، برّ و خوبی شده است. پس از سه بُعد، با استناد به این آیه، لزوم پیشگیری از بزهکاری مشخص می‌شود.

در نهایت این‌که هر عمل واجب، یک برّ است؛ لذا امر به معروف، یک برّ است و از سوی دیگر، از راه‌های تعاون نسبت به برّ در حق دیگران، امر به معروف است. پس امر به معروف، چون هم برّ است و هم تعاون نسبت به برّ، بر سایر خوبی‌ها تفوق و ارجحیت ویژه دارد (تهرانی، ۱۳۹۲: ۱۸ - ۱۹). پیشگیری از بزهکاری کم‌توانان ذهنی، معروف و امر به آن، تعاون در برّ است.

(ب) سنت

یکم - روایت نخست

در روایت از ابی عبدالله علیه السلام آمده است که دو کودک در مقابل فرد در حال عبادت، پره‌های خروس زنده‌ای را کردند و آن عابد، به هیچ‌عنوان ایشان را نهی نکرد، لذا زمین آن مرد عابد را در خود فرو برد (نوری، ۱۴۰۸، ۱۲: ۱۸۰).

فارغ از بحث سندی، بر اساس مفاد این روایت، وقتی ضرر و خطر معتنا به (غیر قابل اغماض) نسبت به اموال و نفوس و حقوق اشخاص و حیوانات و... وجود دارد،

هرچند تهدیدکننده، غیر مکلف و بدون مسئولیت باشد، نهی از منکر واجب است. نکته قابل تأمل این‌که اختلال سلوک^۱ که از مهم‌ترین شاخصه‌ها در تعیین آن، رفتارهای بی‌رحمانه با حیوانات است (ملک‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۳)، از مهم‌ترین اصلی‌ترین ریسک فاکتور بزهکاری اطفال و نوجوانان (معظمی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۳ - ۳۶)، و از چهار الگوی شایع رفتارهای ناسازگارانه میان گروه هدف است (حسین‌خان‌زاده فیروزجا و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲۱ - ۱۳۷) و البته درمان‌های مؤثری، هم به‌طور کلی و هم ویژه کم‌توانان ذهنی دارد (ال ماتسون و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۸۸ - ۴۸۹).

دوم - حدیث لاضرر

روایت موسوم به لاضرر در قالب‌های مختلف «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵: ۲۹۳ - ۲۹۴) و «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰: ۴۳۶ و ۴۷۸) و «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ عَلَى الْمُؤْمِنِ» (همان: ۴۸۶) و «لَا ضَرَرَ وَلَا إِضْرَارَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳: ۷۶) آمده است. بر اساس این روایت، ضرر و اضرار در اسلام نفی شده است و مشروعیت ندارد. در مورد مفاد لاضرر، نظرات مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند به معنای عدم وجود حکم ضرری در اسلام است (انصاری، ۱۴۲۸: ۲: ۴۶۰). پاره‌ای دیگر انتفای وجوب از موضوعات ضرری مثل وضوی ضرری را نظر دارند (آخوند خراسانی، بی‌تا: ۱: ۳۸۱). برخی بر نفی ضرر جبران‌ناپذیر یعنی لزوم جبران، در صورت ورود ضرر به دیگران تأکید دارند (نراقی، بی‌تا: ۱۷ - ۱۸). همچنین نهی از وارد ساختن ضرر به غیر (الخمينی، ۱۴۲۷: ۱: ۳۶۹) یا برای اطلاع از تفصیل نظرات (رک: محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱: ۱۳۷ - ۱۶۱).

اما دلالت قاعده بر موضوع ما، این‌گونه است که حکم به عدم لزوم پیشگیری از

1. Conduct disorder (CD).

بزهکاری گروه هدف، به سبب این که ضرر دارد، منتفی است؛ زیرا از ناحیه پیشگیری نکردن، انواع ضررها به وجود می آید و حکم ضرری نیز از ناحیه شرع نفی شده است. از سوی دیگر، ارتکاب بزه از گروه هدف، ضررهای مختلفی را برای افراد و جامعه ایجاد می کند که لازم است جبران شود. بنا بر پاره ای نظریات، عقل به عدم ایجاد ضرر در امور مورد اهتمام شارع حکم می کند؛ زیرا جبران آن سنگین است. پس لازم است از این ضررها پیشگیری شود. در نهایت، نهی از وارد کردن ضرر (طبق برخی دیدگاه ها در لاضرر) دلالت بر لزوم پیشگیری از بزهکاری گروه هدف دارد تا به این صورت، به دیگران ضرر وارد نشود.

ج) عقل؛ قاعده دفع ضرر محتمل

عدم بهره مندی از هوش کافی و ناسازگاری های رفتاری، ضررهایی برای خود کم توانان ذهنی و دیگران، و در مجموع برای جامعه ایجاد می کند که این ضرر به حکم مفاده این قاعده عقلی، باید دفع شود. توضیح مطلب آن که رابطه کم توانی ذهنی با جرم، از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس برخی تحقیقات، نفس بهره هوشی پایین، کم توانان ذهنی را در معرض خطر بزهکاری قرار می دهد. کم توانی ذهنی، می تواند مستقل از اختلال والدین یا ریسک فاکتورهای اجتماعی و اقتصادی، نه فقط عامل جرم؛ بلکه علت آن باشد (دهدازاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۸ - ۲۰). برخی بررسی های جهانی نیز حاکی از ارتباط مستقیم و قابل توجه بین بهره هوشی پایین با بزهکاری است (دهدازاده، ۱۳۹۸: ۲۰).

برخی تحقیقات داخلی نیز حاکی از بهره هوشی پایین (مرزی) نوجوانان بزهکار است. در پژوهشی تصادفی در شهرستان های گرگان و ساری، میانگین بهره هوشی نوجوانان بزهکار، ۸۵ گزارش شد (مشکانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۷ - ۱۵۲). در یک

بررسی تصادفی دیگر، میانگین بهره هوشی نوجوانان بزهکار سیستان و بلوچستان، ۷۹ گزارش شده است (کربلایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۱۰ - ۲۳۹). ازسوی دیگر، ناسازگاری‌ها و اختلالات رفتاری و شخصیتی، که در کم‌توانان ذهنی شایع است، ریسک فاکتورهای ناشی از آسیب‌های خانوادگی (مانند طلاق و اعتیاد والدین و مشکلات مالی و...) نیز به دلایل متعدد نسبت به کم‌توانان ذهنی بیشتر می‌باشد. مجموعه گزارش فوق، حاکی از این است که کم‌توان ذهنی، هم خود در معرض ضرر هستند و هم به دیگران ضرر می‌زنند و هم والدین ایشان در معرض ضررهای مختلف - ناشی از عملکرد مجرمانه و حتی غیرمجرمانه ایشان - هستند.

قدر متیقن از مدلول حکم عقلی لزوم دفع ضرر محتمل، لزوم دفع ضرر اخروی از خود است. اما علما آن را نسبت به پاره‌ای از امور مهم دنیوی که شارع برای رعایت آنها احتیاط و اهتمام را لازم دانسته است مانند جان و عرض و مال زیاد نیز دفع ضرر محتمل از خود را جاری دانسته‌اند (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۳۰۶).

پس والدین و... به عنوان حاضن، از آنجاکه وظیفه مراقبت از اعمال افراد تحت حضانت را دارند، باید از ایجاد ضرر توسط ایشان برای دیگران پیشگیری کنند. همچنین از آنجاکه وظیفه مراقبت از جان و مال ایشان و خودشان را دارند، باید از بزهکاری ایشان پیشگیری کنند؛ زیرا در جریان بزه، خطرات مختلفی ایشان را تهدید می‌کند و پس از آن نیز جبران خسارات مالی، ایشان و خودشان را متحمل ضرر می‌نماید.

۵. نتیجه

اصل پیشگیری از بزهکاری کم‌توانان ذهنی، برای والدین واجب است. آیه وقایه و وظایف حضانتی به معنای مراقبت از جان و مال و اعمال و... افراد تحت حضانت،

بر آن دلالت دارد. تعلیم و تربیت، توانبخشی، درمان یا پیشگیری وضعی (تغییر موقعیت شخص یا وضعیت محیط)، راهکارهای این پیشگیری هستند.

با توجه به آسیب‌پذیری کم‌توانان ذهنی و خانواده‌هایشان، لازم است دولت نیز اهتمام بیشتر در پیشگیری از بزهکاری ایشان داشته باشد.

پیشگیری از بزهکاری کم‌توانان ذهنی، در صورتی‌که در امور مورد اهتمام شارع، آسیب جدی برای خود کم‌توانان ذهنی، اولیای ایشان یا دیگران به دنبال داشته باشد، بر اساس امر به معروف و نهی از منکر، تعاون مؤمنان در بر و برخی ادله دیگر، بر دیگران وجوب کفایی دارد.

انواع سوء رفتارها، اختلال سلوک و وجود سایر ریسک‌فاکتورها در کودکان و نوجوانان کم‌توان ذهنی، انواع مداخلات برای پیشگیری از بزهکاری ایشان در جوانی از سوی والدین و مربیان و مسئولین را می‌طلبد. ضرورت این مهم از ابعاد گوناگون بر اساس ادله عقلی و شرعی برای والدین، دیگران و دولت قابل استناد است. البته روش‌های مختلف پیشگیری از بزهکاری کم‌توانان ذهنی، مانند تعلیم و تربیت و درمان و...، می‌تواند بر اساس ادله‌ای جداگانه واجد حکم وجوب باشد که مهم‌ترین اثر آنها پیشگیری از بزهکاری ایشان خواهد بود.

منابع

کتاب فارسی و عربی

قرآن کریم

۱. قانون مدنی.

۲. قانون مسئولیت مدنی.

۳. قانون پیشگیری از جرم.

۴. قانون جامع حمایت از حقوق معلولان.

۵. ابن بابویه محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.

۶. ابن منظور محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر، سوم، ۱۴۱۴ق.

۷. ابوالمعالی خدیجه، *نظریه‌های جرم‌شناسی و بزهکاری*، تهران، ارجمند، دوم، ۱۳۹۴.

۸. اعرافی، علیرضا، *تربیت فرزند با رویکرد فقهی*، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، قم، اشراق و عرفان، ۱۴۰۰.

۹. _____، *فقه تربیتی*، وظایف حکومت، تحقیق و نگارش محمدکاظم مبلغ، قم، اشراق و عرفان، اول، ۱۳۹۹.

۱۰. ال ماتسون، جاین و اکو، دیوید، *روان‌شناسی بالینی کودک*، محمدرضا نائینیان و همکاران، تهران، رشد، سوم، ۱۳۸۴.

۱۱. انصاری مرتضی بن محمدامین، *فرائد الاصول*، قم، مجمع الفكر الاسلامی، نهم، ۱۴۲۸ق.

۱۲. تبریزی، شهیدی، میرزا فتاح، *هدایة الطالب إلى أسرار المکاسب*، تبریز، چاپخانه اطلاعات، اول، ۱۳۷۵ق.

۱۳. تهرانی، مجتبی، *سلوک عاشورایی (خلاصه مباحث)*، تهران، مصابیح الهدی، سوم، ۱۳۹۲.
۱۴. جزری ابن اثیر مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
۱۵. حسینی زبیدی واسطی، سید مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر، اول، ۱۴۱۴ق.
۱۶. خراسانی، محمدکاظم، *کفایة الأصول*، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، بی تا.
۱۷. خمینی، سید روح الله، *أنوار الهداية في التعليقة على الكفاية*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر تراث الإمام الخمينی، ۱۴۲۷ق.
۱۸. دهخدا علی اکبر و همکاران، *لغت نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران، دوم، ۱۳۷۷.
۱۹. دهدارزاده، فاطمه، *بزهکار عقب مانده ذهنی در حقوق کیفری ایران و انگلستان*، تهران، بهنامی، اول، ۱۳۹۸.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم، اول، ۱۴۱۲ق.
۲۱. السیوری، جمال الدین، *کنز العرفان في فقه القرآن*، بی جا، منشورات المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، بی تا.
۲۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغة*، قم، هجرت، اول، ۱۴۱۴ق.
۲۳. صعیدی، عبدالفتاح و حسین یوسف موسی، *الافصحاح في فقه اللغة*، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، چهارم، ۱۴۱۰ق.
۲۴. طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چهارم، ۱۳۶۲.
۲۵. طباطبائی، سید محمد حسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم، ۱۳۷۴.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، *ترجمه مجمع البیان في تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات فراهانی، اول، ۱۳۶۰.

۲۷. طوسی، محمد بن الحسن، *تهذیب الأحکام*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۸. عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، تهران، صدوق، اول، ۱۳۶۰.
۲۹. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، بی جا، مؤسسة المعارف الإسلامية، اول، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. _____، *حاشیه شرائع الإسلام*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۲۲ ق.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت، دوم، ۱۴۱۰ ق.
۳۲. فیومی، احمد بن محمد مقری، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم، منشورات دار الرضیف، اول، بی تا.
۳۳. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ششم، ۱۴۱۲ ق.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۵. _____، *کافی*، قم، دارالحديث، اول، ۱۴۲۹ ق.
۳۶. کمالی، سید علی، *شناخت قرآن*، تهران، اسوه، اول، ۱۳۷۰.
۳۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ ق.
۳۸. محقق داماد یزدی، سید مصطفی، *قواعد فقه*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، دوازدهم، ۱۴۰۶ ق.
۳۹. المصطفوی، السید محمدکاظم، *القواعد الفقہیة*، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، چهارم، ۱۴۲۱.
۴۰. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، *زبدة البیان فی أحكام القرآن*، تهران، کتابفروشی مرتضوی، اول، بی تا.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، اول، ۱۳۷۴.
۴۲. ملک پور مختار و شوشتری مزگان، *دایرة المعارف کودکان با نیازهای خاص (استثنایی)*، اصفهان، دارخوین، اول، ۱۳۹۳.

۴۳. نوری حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام، اول، ۱۴۰۸ ق.

۴۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود و همکاران، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیه السلام*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیه السلام، اول، ۱۴۲۶ ق.

۴۵. هاشمی رفسنجانی، اکبر، *فرهنگ قرآن*، قم، بوستان کتاب، دوم، ۱۳۸۳.

مقالات

۱. ایزدی فرد علی اکبر و منتظری صالح، «بررسی فقهی شرط احتمال تأثیر در امریه معروف و نهی از منکر از نظر زمان و محدوده تأثیرگذاری»، *پژوهش های فقهی*، ۲: ۱۰، ۲۱۹-۲۴۶، ۱۳۹۳.

۲. به پژوه احمد و نوری فریده، «تأثیر نقاشی درمانی در کاهش رفتارهای پر خاشگروانه دانش آموزان عقب مانده ذهنی»، *روانشناسی و علوم تربیتی*، ۲: ۳۲، ۱۵۵-۱۷۰، ۱۳۸۱.

۳. بهره مند میثم، «رابطه اختلالات روانی با بزهکاری و ارتکاب جرم»، *قانون یار*، ۱۰، ۲۰۳-۲۴۰، ۱۳۹۸.

۴. بیان زاده سید اکبر و ارجمندی زهرا، «تأثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر رفتار سازگارانۀ کودکان عقب مانده ذهنی خفیف»، *اندیشه و رفتار*، ۳۳، ۲۷-۳۴، ۱۳۸۲.

۵. بیداروند مختار و احدی فاطمه، «برنامه توسعه هزاره سوم و پیشگیری علمی و فقهی از جرم، الزاماتی تفکیک ناپذیر»، *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۱۷، ۴۹-۷۴، ۱۳۹۲.

۶. حاجی ده آبادی، محمدعلی و حائری، سید احسان، «بررسی هزینه های جرم با نگرشی اسلامی»، *حقوق اسلامی*، ش ۲۴، ۳۳-۶۰، ۱۳۸۹.

۷. حسین خانزاده فیروزجاه عباسعلی و پرند اکرم، «تهیه پرسشنامه ارزیابی اختلالات رفتاری دانش آموزان پسر عقب مانده ذهنی خفیف دوره راهنمایی»، ۳: ۳، ۱۲۱-۱۳۷، ۱۳۸۶.

۸. خوش اندام محمد و میرقادر جلیل، «جرم و کم توانی ذهنی»، *تعلیم و تربیت / استثنائی*، ۶، ۷-۱۶، ۱۳۸۵.

۹. دهدارزاده فاطمه، میرمحمدصادقی حسین، آشوری محمد و مهدوی ثابت، محمدعلی، «جرایم افراد عقب مانده ذهنی؛ علل ارتکاب و عوامل پیشگیری از دیدگاه افسران پلیس، وکلا و قضات»، *حقوق پزشکی*، ۴۹، ۱۴۹-۱۶۵، ۱۳۹۸.
۱۰. دهدارزاده فاطمه، میرمحمدصادقی حسین، مهدوی ثابت محمدعلی و آشوری محمد، «مسئولیت کیفری بزهکاران عقب مانده ذهنی در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، *فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی*، ۳۲، ۱۴۹-۱۶۷، ۱۳۹۶.
۱۱. سالاری امیرحمزه و بیگ زاده زهرا، «بررسی ظرافت های بلاغی تربیتی آیه ۳۲ سوره مائده در پیشگیری از وقوع جرم قتل عمد»، *مطالعات قرآنی*، ۲۶، ۵۵-۷۴، ۱۳۹۵.
۱۲. علم الهدی، جمیله، قاسم زاده، عاتکه و مهاجر دارابی، هاجر، «استعداد به مثابه یکی از عوامل رشد در قرآن از منظر علامه طباطبائی و صدرالمتالهین، آموزه های قرآن»، *دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، س ۱۶، ش ۳۰، ۱۳۹۸.
۱۳. علیزاده حمید، «تغییر اصطلاح شناسی عقب ماندگی ذهنی به کم توانی ذهنی»، *کودکان استثنایی*، ۲: ۸، ۱۲۷-۱۴۰، ۱۳۸۷.
۱۴. کربلایی فاطمه صغری، افروز غلامعلی و رقیبی مهوش، «بررسی ویژگی های زیستی، شخصیتی و بهره هوشی در نوجوانان بزهکار استان سیستان و بلوچستان»، *پژوهش در نظام های آموزشی*، ۳۳، ۲۱۰-۲۳۹، ۱۳۹۵.
۱۵. مشکانی محمد، موسی زاده حسن و کریمی راد صنمیر، «مقایسه تحلیلی ظرفیت هوش کلی، کلامی، عملکردی، خرده مقیاس های آن و پیشرفت تحصیلی در نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار»، *اصول بهداشت روانی*، ۱۹: ویژه نامه ۳، ۵۲-۱۴۷، ۱۳۹۶.
۱۶. معظمی شهلا و دادگر آناهیتا، «مقایسه اختلال سلوک و بزهکاری در دختران نوجوان مناطق ۵ و ۱۳ شهر تهران با رویکرد پیشگیری از جرم»، *رهیافت پیشگیری از جرم*، ۴: ۲، ۱۳-۳۶، ۱۳۹۸.
۱۷. منتظری صالح و ابراهیمی سعید، «نفی شرطیت احتمال تأثیر در امر به معروف و نهی از منکر»، *پژوهش های فقه و حقوق اسلامی*، ۴۵، ۱۳۷-۱۶۰، ۱۳۹۵.

۱۸. میرخلیلی سید محمود ، «پیشگیری وضعی از نگاه آموزه‌های اسلام»، *فقه و حقوق*، شماره ۱، ۵۹- ۷۴، ۱۳۸۳.
۱۹. میرخلیلی سید محمود ، «سد ذرائع و پیشگیری از بزهکاری در آموزه‌های اسلامی»، *حقوق اسلامی*، ۳۱، ۹۶- ۱۲۵، ۱۳۹۰.
۲۰. وزارت آموزش و پرورش ، «تعریف دانش‌آموزان با نیازهای ویژه»، *رشد فناوری آموزشی*، ۳۵: ۴، ۱۸- ۱۹، ۱۳۹۸.

کنفرانس

۱. شفایی، زهرا، گلدوزیان، ایرج و امام هادی محمدعلی ، «اختلال روانی عامل بزهکاری و بزه‌دیدگی دختران نوجوان بزهکار و غیر بزهکار شهر تهران و رابطه بیماری صرع و عقب‌ماندگی ذهنی با جرم در آنان»، *کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، مطالعات حقوقی و اجتماعی*، ۱۳۹۷.
۲. وحید، ویدا ، «قصه‌درمانی و مهارت‌های اجتماعی در کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر»، *مجموعه مقالات ششمین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران روان‌شناسی معاصر (ویژه‌نامه ۱۲)*، ۱۸۸۴- ۱۸۵۱، ۱۳۹۶.

پایان‌نامه

- حسینی، سید محمد رضا ، «تأثیر اختلالات روانی بر مسئولیت کیفری از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم‌السلام با تأکید بر عقب‌ماندگی ذهنی، دلیریوم، دمانس، اسکیزوفرنی و سایر اختلالات روان پریشی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه*، جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمیه، ۱۳۹۵.
- هاشم‌زاده، شورجه رضای، «مبانی جرم‌شناسی در فقه و حقوق موضوعه»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده الهیات دانشگاه پیام نور استان خراسان رضوی*، ۱۳۷۷.

برخط:

۳. فدایی، فرید ۱۳۷۷، «رابطه ارتکاب بزه با عقب ماندگی ذهنی»، *قوانین*، ۲۴، تاریخ رؤیت:

<https://b2n.ir/e43809>: ۱۴۰۰/۶/۲۵

۴. مکارم شیرازی، ناصر، بی‌تا، تاریخ رویت: <https://b2n.ir/q63378>: ۱۴۰۰/۸/۲۸

لاتین

1. AIDD (formerly AAMR - American Association on Mental Retardation) (2021) , Definition of Intellectual Disability, Date of vision: 25/6 _ 1400. <https://b2n.ir/x81425>
2. K. DAILY DONNA, H. ARDINGER HOLLY and HOLMES GRACE E (2000) , Identification and Evaluation of Mental Retardation, Kansas: University of Kansas Medical Center, 61: 4,1059 _ 1067.
3. C. H. Douma Jolanda, C. Dekker Marielle, P. de Ruiter Karen and T. Tick Nouchka (2007) , Antisocial and Delinquent Behaviors in Youths With Mild or Borderline Disabilities. Amsterdam: AMERICAN JOURNAL ON MENTAL RETARDATION , V 112. NUMBER 3. P: 207–220
4. Eflein John (2021) , Share of people with a cognitive disability in the U.S as of 20018, by age.
5. <https://b2n.ir/y62779>
6. Fernell Elisabeth and Gillberg, Christopher, (2020) , Borderline intellectual functioning, Handbook of Clinical Neurology, V 174, Paris: Sorbonne Paris Cite University, 77 _ 81
7. French, Phillip (2007). Disabled Justice The barriers to justice for persons with disability in Queensland. Queensland: Disability Studies and Research Institute for Queensland Advocacy Incorporated.
8. Goodey C.F) 2016). A History of intelligence and “intellectual disability” , New York: Routledge.
9. International Assoc of Chiefs of Police) 1984 (Mentally Retarded Offender, United States of America: Document: NCJ Number: 94177: <https://b2n.ir/j22326>
10. MHRD Govt. of India (2018) , Objectives of Crime Prevention, production of courseware, Date of vision: 25/6 _ 1400 <https://b2n.ir/q21821>